

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در بررسی ادله خاصه بر مواسعه، مرحوم شیخ ابن ادله را به سه طایفه تقسیم کرد، در طائفه دوم مورد بررسی قرار می گیرد که مکلف با وجود بر ذمه داشتن فائده امر به حاضر شده است، هفت روایت از این طائفه مورد بررسی قرار گرفت، در جلسه گذشته، به بررسی روایت عیص بن قاسم پرداخته شد، در این روایت احتمالاتی در مورد استظهار از روایت مطرح شد، که در نهایت هم مرحوم شیخ و هم مرحوم صاحب جواهر، به دلالت این روایت بر مواسعه تاکید کردند، در ادامه به بررسی روایت علی بن جعفر (علیهما السلام) می پردازیم.

روایت هشتم: روایت علی بن جعفر (علیهما السلام) در قرب الاسناد

این روایت را صاحب وسائل در جلد هشتم باب اول از ابواب قضاء الصلوات در ضمن سه حدیث نقل کرده است، در حالی که ظاهراً در یک مجلس و یک روایت واحد بوده است. در خود قرب الاسناد هم به عنوان یک روایت آورده است.

10571-7- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الْمَغْرِبَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ قَالَ يُصَلِّي الْعِشَاءَ ثُمَّ الْمَغْرِبَ.

10572-8- وَ بِالْإِسْنَادِ قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الْعِشَاءَ فَذَكَرَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يُصَلِّي الْعِشَاءَ ثُمَّ الْفَجْرَ.

10573-9- وَ بِالْإِسْنَادِ قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الْفَجْرَ حَتَّى حَضَرَتِ الظُّهْرُ قَالَ يَبْدَأُ بِالظُّهْرِ ثُمَّ يُصَلِّي الْفَجْرَ كَذَلِكَ كُلُّ صَلَاةٍ بَعْدَهَا صَلَاةٌ. [1]

بیان معنای روایت

با توجه به اینکه این روایت دارای سه بخش است، در ابتدا به بررسی فقه الحدیث این سه روایت می پردازیم.

بخش اول روایت

در سوال اول، راوی می پرسد، یک شخص نماز مغرب خود را فراموش کرد تا زمانی که وقت عشاء فرا رسید، وظیفه وی چیست؟ امام (علیه السلام) دستور می دهند که ابتدا نماز عشاء خوانده شود و سپس نماز مغرب اقامه گردد: «يُصَلِّي الْعِشَاءَ ثُمَّ يُصَلِّي الْمَغْرِبَ».

درباره ی عبارت «دخل وقت العشاء الآخرة» دو احتمال وجود دارد:

1. احتمال اول: منظور از «وقت عشاء آخره»، وقت فضیلت نماز عشاء است. یعنی فرد نماز مغرب خود را نخوانده تا وقت

فضیلت عشاء آغاز شده است.

2. احتمال دوم: منظور از این عبارت، باقی ماندن چهار رکعت از وقت نماز عشاء است؛ یعنی زمانی که تنها به اندازه‌ی چهار رکعت برای خواندن نماز عشاء فرصت باقی مانده است.

تحلیل احتمال اول: تقدم نماز عشاء در وقت فضیلت (دیدگاه تقیه‌ای)

اگر منظور از «دخل وقت العشاء الآخرة» همان وقت فضیلت عشاء باشد، دستور امام (علیه‌السلام) مبنی بر تقدم نماز عشاء بر مغرب می‌تواند جنبه‌ی تقیه‌ای داشته باشد. دلیل این امر آن است که اهل سنت قائل به تباین اوقات هستند؛ یعنی با آغاز وقت عشاء، وقت مغرب پایان می‌یابد و نماز عشاء باید مقدم گردد. بنابراین، این بخش از روایت در چنین تفسیری به دلیل رعایت تقیه صادر شده و نمی‌توان از آن برای تأیید نظریه‌ی موسعه استفاده کرد.

تحلیل احتمال دوم: تقدم نماز عشاء در وقت اختصاصی

اگر منظور از «دخل وقت العشاء الآخرة» زمانی باشد که تنها چهار رکعت از وقت نماز عشاء باقی مانده است، دستور امام (علیه‌السلام) مبنی بر تقدم نماز عشاء بر مغرب دلیلی بر ضابطه‌ی موسعه نیست. در این حالت، تقدم نماز عشاء به دلیل اختصاص وقت باقی‌مانده به این نماز است. حتی فقهای که قائل به مضایقه هستند نیز در چنین حالتی معتقدند که نماز مختص به وقت باید ابتدا خوانده شود.

در نهایت از این بخش از روایت، مطابق هیچکدام از احتمالات نمی‌توان برای اثبات موسعه استفاده کرد.

بخش دوم روایت

در این بخش از روایت، روای در مورد وظیفه فردی که نماز عشاء را فراموش کرده و پس از طلوع فجر به یاد آورده است، می‌پرسد. امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: «يُصَلِّي الْعِشَاءَ ثُمَّ يُصَلِّي الْفَجْرَ»، یعنی ابتدا نماز عشاء را بخواند و سپس نماز فجر را، امر امام (علیه‌السلام) مبنی بر تقدم نماز فائته (عشاء) بر نماز حاضره (فجر) در این روایت به وضوح بر خلاف ضابطه‌ی موسعه است.

مطلب دیگری که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد این است، که آیا امرهای موجود در روایت را باید بر اولویت حمل کنیم یا بر تعیین و وجوب. اگر امر به ترتیب در این روایت دلالت بر تعیین و وجوب داشته باشد، نتیجه‌ی آن این است که رعایت ترتیب واجب است و فرد نمی‌تواند ابتدا نماز فجر را بخواند. اما اگر امر را بر اولویت حمل کنیم، به این معنا است که تقدم نماز فائته بر نماز حاضره صرفاً مستحب است، و الزامی نیست.

بخش سوم روایت

سوال سوم راوی در مورد شخصی است که نماز صبح را فراموش کرده و زمان نماز ظهر فرا رسیده است. پاسخ امام (علیه‌السلام) طبق اختلاف نسخه‌ها به دو صورت گزارش شده است که به بررسی هر کدام می‌پردازیم.

1. نسخه اول: «يبدأ بالفجر ثم يصلي الظهر»

– طبق این نقل، ابتدا باید نماز فائته (صبح) خوانده شود و سپس نماز حاضر (ظهر). این نسخه با نظریه‌ی مضایقه هماهنگ است، زیرا بر الزام تقدم نماز فائته بر نماز حاضر دلالت دارد. مرحوم آیت‌الله بروجردی (قدس سره) بر اساس نسخه‌ای از وسائل الشیعة که در اختیار ایشان بوده، این عبارت را نقل کردند.[2]

2. نسخه دوم: «يبدأ بالظهر ثم يصلي الفجر»

– در این نقل مشهور، ابتدا باید نماز حاضره (ظهر) خوانده شود و سپس فائته (صبح) قضا گردد. این نقل بیشتر مورد استناد نسخه‌های رایج کتاب وسائل الشیعة است و با نظریه‌ی موسعه (تقدم حاضر بر فائت) تطابق دارد. البته اگر به قرینه سیاق توجه شود، باید با توجه به بخش دوم روایت که مطابق با مضایقه است، این قسمت نیز از روایت هم باید بر مضایقه حمل شود و نسخه غیر مشهور ترجیح داده شود.

بررسی ضابطه مذکور در روایت

در پاسخ سوم امام (علیه‌السلام)، ضابطه‌ای کلی ارائه شده است که می‌فرمایند: «كذلك كل صلاة بعدها صلاة». این عبارت مورد توجه و تحلیل دقیق قرار گرفته است. پرسش اصلی این است که منظور از این ضابطه چیست و چگونه می‌توان آن را در مسائلی مانند تقدم نماز فائته بر حاضره یا بالعکس تفسیر کرد؟

در مورد شخصی که نماز صبح را فراموش کرده و تا ظهر یادش نیامده، امام (علیه‌السلام) دستور می‌دهند: «يبدأ بالظهر ثم يصلي الفجر». اینجا ضابطه «كل صلاة بعدها صلاة» به معنای آن است که هر نمازی که پس از آن، نماز دیگری وجود دارد (صلاة بعدها صلاة)، می‌بایست ابتدا اقامه شود و سپس نماز فائته به جا آورده شود. بنابراین، نماز ظهر به دلیل اینکه پس از آن نماز عصر قرار دارد، بر نماز فائته (صبح) مقدم می‌شود.

ظهور ضابطه در نمازهای فریضه

ظاهر «كل صلاة بعدها صلاة» ناظر به نمازهای واجب است، زیرا نافله‌ها در این ضابطه جایگاهی ندارند. اگر نافله‌ها نیز مشمول این ضابطه باشند، مثلاً پس از نماز عشاء نوافل شب شروع می‌شوند، و بر این اساس، نماز عشاء نیز باید مشمول «صلاة بعدها صلاة» باشد. اما این تفسیر کمتر مورد قبول است، چرا که این ضابطه به وضوح بر فرائض تأکید دارد.

با توجه به این تحلیل، منظور از «كل صلاة بعدها صلاة»، نمازهای واجب است که پس از آن‌ها فریضه‌ای دیگر قرار دارد. برای مثال، نماز ظهر بعدها صلاة (نماز عصر) دارد، و نماز مغرب بعدها صلاة (نماز عشاء) دارد. اما در مورد نماز صبح و عصر که پس از آن‌ها هیچ نماز واجب قرار ندارد، ضابطه «كل صلاة بعدها صلاة» تطبیق نمی‌کند.

امام (علیه‌السلام) در این بیان، تفاوت میان سؤال سوم و سؤال دوم را نیز روشن می‌سازند. در سؤال دوم، شخصی نماز عشاء را فراموش کرده و پس از طلوع فجر به یاد آورده است. امام می‌فرمایند: «يصلي بالعشاء ثم يصلي الفجر». علت تقدم نماز فائته (عشاء) در اینجا این است که بعد از نماز فجر، دیگر هیچ نمازی وجود ندارد (چه واجب و چه مستحب). بنابراین، منطقی است که ابتدا نماز فائته خوانده شود و سپس به نماز حاضره (فجر) پرداخته شود. اما در سؤال سوم، به دلیل وجود نماز ظهر که بعدها صلاة (نماز عصر) دارد، تقدم نماز حاضره (ظهر) بر فائته (صبح) بر اساس ضابطه امام (علیه‌السلام) تبیین می‌شود.

کلام مرحوم شیخ در مورد ضابطه

مرحوم شیخ درباره عبارت «كل صلاة بعدها صلاة» در روایت احتمالاتی را بررسی می‌کند.

هذا مع أنّ الضابط المذكور لا يخلو من إجمال، لأنّ المشبّه به المشار إليه بقوله: «كذلك كلّ صلاة بعدها صلاة» يحتمل أن يكون الفائتة، و يحتمل أن يكون الحاضرة، و وجه الشبه إمّا الحكم بالتقديم و إمّا الحكم بالتأخير، و المراد من ثبوت صلاة بعدها إمّا مشروعية صلاة بعدها – و لو نفلا – و إمّا وجوب فريضة بعدها.[3]

وی به این مطلب می‌پردازد که صلاه در این عبارت آیا شامل فریضه می‌شود یا نافله؛ شیخ تصریح می‌کند که با توجه به اینکه

موضوع سوال راوی قضای فرائض در هنگام دخول وقت فریضه دیگر است، بنابراین، می‌توان گفت که «کل صلاة بعدها صلاة» ظهور در فرائض دارد و نافله‌ها را شامل نمی‌شود.

احتمال دوم این است که مراد از «صلاة» در این عبارت، آیا نماز فائمه است یا نماز حاضره؟ شیخ بیان می‌کند که اگر به قرینه سؤال توجه کنیم، می‌توانیم بگوییم که «کل صلاة» به نماز حاضره اشاره دارد، چرا که در سؤال سوم در مورد شخصی که نماز صبح خود را فراموش کرده و هنگام ظهر به یاد آورده است، امام (علیه‌السلام) نیز دستور می‌دهند که ابتدا نماز ظهر (حاضره) را بخواند و سپس نماز صبح (فائمه) را قضا کند. بر این اساس، «کل صلاة» به نماز حاضر (ظهر) اشاره دارد، زیرا به لحاظ زمانی پس از نماز ظهر، نماز عصر هست. در نتیجه، تقدم نماز حاضره بر فائمه به این دلیل توجیه می‌شود که «کل صلاة» به نماز حاضره تعلق دارد و در پی آن نماز دیگری قرار می‌گیرد.

مرحوم شیخ همچنین وجه شبه در این عبارت را نیز مجمل می‌داند، زیرا مشخص نیست که وجه تشبیه در این ضابطه، ناظر به حکم تقدیم یا تأخیر صلاة است.

استفاده از روایات دیگر در رفع اجمال روایت

مرحوم شیخ پس از بیان احتمالات مختلف اشاره می‌کند که این اجمال و ابهام، با بهره‌گیری از سایر روایات قابل رفع است. وی با استناد به برخی روایات، توضیح می‌دهند که این روایات می‌توانند به روشن شدن مفهوم دقیق عبارت کمک کنند و ابهاماتی را که از احتمالات گوناگون ناشی می‌شود، برطرف نمایند.

نعم في بعض الأخبار ما يبيّن المراد منها، و هو ما عن الشيخ بإسناده عن الحسن الصيقل: «قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل نسي الأولى حتى صلى ركعتين من العصر؟ قال: فليجعلها الأولى و ليستأنف العصر. قلت: فإنه نسي المغرب حتى صلى ركعتين من العشاء ثم ذكر؟ قال: فليتمّ صلاته ثم ليقض بعد المغرب. قال: قلت له: جعلت فداك، قلت حين نسي الظهر ثم ذكر و هو في العصر يجعلها الأولى ثم يستأنف. و قلت: هذا يتمّ صلاته ثم ليقض بعد المغرب؟! قال: هذا ليس مثل ذلك، إنّ العصر ليس بعدها صلاة، و العشاء بعدها صلاة» [4]

شیخ طوسی در روایتی از حسن صیقل، از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند؛ در مورد اول، فردی نماز ظهر را فراموش کرده و نماز عصر را نیت کرده است. پس از خواندن دو رکعت، متوجه می‌شود که نماز ظهر را نخوانده است. امام (علیه‌السلام) در پاسخ می‌فرمایند: این دو رکعت را به‌عنوان نماز ظهر محسوب کند، آن را به پایان برساند و سپس نماز عصر را از ابتدا بخواند.

در مورد دوم، راوی می‌پرسد شخصی نماز مغرب را فراموش کرده و نماز عشاء را نیت کرده است. پس از خواندن دو رکعت، متوجه می‌شود که نماز مغرب را نخوانده است. در اینجا، امام (علیه‌السلام) دستور می‌دهند که نماز عشاء را تکمیل کند و سپس نماز مغرب را قضا نماید.

سائل پس از پاسخ امام (علیه‌السلام) از دلیل تفاوت دو پاسخ می‌پرسد؛ امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هذا ليس مثل ذلك، إنّ العصر ليس بعدها صلاة و العشاء بعدها صلاة»

این تعلیل نشان می‌دهد که در مورد نماز عصر، چون بعد از آن نماز واجبی وجود ندارد، فرد می‌تواند نیت را تغییر دهد و نماز را به عنوان ظهر تکمیل کند، سپس نماز عصر را از نو بخواند. اما در مورد نماز عشاء، به دلیل وجود نماز بعدی یعنی نافله شب، باید نماز عشاء را تمام کرده و سپس مغرب را قضا کند.

این روایت به روشنی بیان می‌کند که ضابطه «کل صلاة بعدها صلاة» نه تنها شامل نمازهای واجب، بلکه نافله‌های راتب را نیز در بر می‌گیرد.

همچنین این روایت نشان می‌دهد که در مورد نماز عصر، چون «لیس بعدها صلاة»، امکان تغییر نیت وجود دارد، در حالی که در نماز عشاء، به دلیل اینکه «بعدها صلاة»، باید ابتدا عشاء به اتمام برسد و سپس نماز مغرب قضا شود، و در روایت علی بن جعفر (علیهما السلام) نماز عصر از جمله نماز هایی است که بعد از آن نمازی نیست.

مرحوم شیخ روایتی دیگری با عبارتی مشابه روایت پیشین و با افزودن جمله‌ای در توضیح بیشتر از دعائم الاسلام نقل می‌کند.

و في معناها ما عن دعائم الإسلام بزيادة قوله: «انَّ العصر ليس بعدها صلاة، يعني لا يتنفل بعدها، والعشاء الآخرة يصلِّي بعدها ما يشاء». وهذا التفصيل محمول على الأولوية بشهادة التعليل - فإنَّ قضاء الصلاة بعد العصر جائز إجماعاً - أو على التقية، ففيه دلالة على الموسعة و تفسير لما سبق من التفصيل في رواية علي بن جعفر المتقدمة، إلَّا أنَّ ظاهره متروك عندنا - معاشر القائلين بعدم خروج وقت الظهر، خصوصاً للناسي، إلَّا إذا بقي مقدار صلاة العصر من وقتها -، و حينئذ في غير ذلك الوقت يجب العدول، و فيه يحرم، فلا مورد للاستحباب، و هكذا الحكم المذكور للمغرب، فافهم. [5]

این روایت نیز به تفاوت وضعیت میان نماز عصر و نماز عشاء اشاره دارد، که در نماز عصر به دلیل نبود نافله‌ی بعدی، حکم متفاوتی با نماز عشاء، که بعد از آن نافله وجود دارد، ارائه شده است. مرحوم شیخ، این تفصیل را به دوگونه تفسیر می‌کند.

1. حمل بر اولویت: با توجه به اینکه قضای نماز پس از نماز عصر اجماعاً جایز است، لذا بر رجحان و استحباب ادای نماز قبل از نماز عصر حمل می‌شود.

2. حمل بر تقیه: احتمال دوم این است که این تفصیل به دلایل تقیه‌ای ارائه شده باشد.

مرحوم شیخ در مورد روایت صیقل دو نکته را در ادامه بیان می‌کند؛ وی در نکته اول می‌فرماید؛ این روایت دلالت بر نوعی موسعه دارد. یعنی اگر کسی نماز مغرب را نخواند و نماز عشاء را به نیت عشاء آغاز کرده است، نیازی نیست که عدول کند و نیت خود را به مغرب برگرداند، بلکه می‌تواند همان نماز را به نیت عشاء ادامه داده و پس از اتمام، نماز مغرب را قضا کند. این رویکرد نوعی از موسعه را نشان می‌دهد.

همچنین در نکته دوم می‌فرماید؛ روایت صیقل تفسیری برای ضابطه مذکور در روایت علی بن جعفر به شمار می‌آید. به‌ویژه جمله «إنَّ العصر ليس بعدها صلاة» در روایت صیقل نشان‌دهنده آن است که این تفصیل بین نمازهایی که بعد از آنها نماز دیگری هست و نمازهایی که بعد از آنها نماز دیگری نیست، قابل استفاده است.

نقد استاد بر کلام مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ در بیان تفصیل موجود در روایت صیقل دو احتمال مطرح کرد، وی در احتمال دوم، موضوع تقیه را مطرح کرد، در حالی که وقتی امام (علیه السلام) تعلیل واضحی ارائه می‌کنند و از این طریق یک ضابطه کلی بیان می‌شود، احتمال تقیه چندان موجه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تعلیل، در ذات خود، به دنبال ایجاد وضوح و تبیین است و با تقیه سازگاری ندارد. این نکته نشان می‌دهد که احتمال اول (اولویت) تفسیری معقول‌تری از احتمال دوم (تقیه) برای این روایت به شمار می‌آید.

اما در مورد اینکه آیا این روایت صیقل واقعاً می‌تواند به عنوان تفصیل یا تفسیر ضابطه «کل صلاة بعدها صلاة» در روایت علی

بن جعفر قرار بگیرد یا خیر، جای تأمل است. به‌ویژه اگر بخوایم جمله «إن العصر ليس بعدها صلاة» را به‌صورت مستقیم به‌عنوان تفسیر ضابطه مذکور بپذیریم، ممکن است این نتیجه‌گیری چندان موجه نباشد. زیرا روایت صیقل به‌طور خاص شرایطی را بیان می‌کند که ممکن است از اصل ضابطه کلی «کل صلاة بعدها صلاة» مجزا باشد، در نتیجه، این تأمل مطرح می‌شود که آیا می‌توان میان دو روایت ارتباط تفسیری قطعی برقرار کرد، یا اینکه هر یک از این دو ناظر به موقعیت‌های مستقل و احکام خاص خود است.

کلام مرحوم صاحب جواهر در مورد ضابطه

صاحب جواهر در تحلیل خود از ضابطه «کل صلاة بعدها صلاة»، برخلاف ادعای شیخ، هیچ‌گونه اجمالی در این ضابطه مطرح نمی‌کند و به‌صورت صریح دلالت روایت بر عدم ترتیب را می‌پذیرد.

فإن ذيله صريح في عدم الترتيب، و لا ينافيه الأمر فيه بتقديم العشاء على الفجر بعد أن كان ظاهره للتجنب عن وقوعها بعد الصلاة التي لا صلاة بعدها، لا للترتيب و المضايقة، بل هو حينئذ مشعر بخلافهما [6]

صاحب جواهر در خصوص سؤال سوم روایت، به نسخه موجود در وسائل استناد کرده و می‌فرماید که این روایت، با عبارت «يبدأ بالظهر ثم يصلي الفجر»، به صراحت بر عدم لزوم ترتیب میان نماز فائته و حاضره دلالت دارد.

همچنین نسبت به سؤال دوم، که در آن شخص نماز عشاء خود را فراموش کرده و هنگام نماز صبح به یاد می‌آورد. در این مورد، امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اول نماز عشاء را بخواند و سپس نماز صبح را». صاحب جواهر این حکم را در جهت اثبات مضایقه نمی‌داند و صریحاً بیان می‌کند که این موضوع هیچ ارتباطی با ترتیب، مواسعه یا مضایقه ندارد. که در دلیل این مطلب می‌توان گفت پاسخ امام (علیه‌السلام) در سوال دوم منطبق بر ضابطه مذکور است، به عبارت دیگر، چون نماز فجر از جمله نمازهایی است که پس از آن هیچ نمازی وجود ندارد، امام علیه‌السلام دستور داده‌اند که ابتدا نماز فائته عشاء خوانده شود و سپس نماز فجر اقامه گردد لذا اگر نماز فجر نمازی بود که پس از آن نمازی دیگر وجود داشت، امام (علیه‌السلام) می‌توانست دستور دهند که عشاء پس از فجر خوانده شود. اما به دلیل ویژگی خاص نماز فجر (که «لا صلاة بعدها») است، تقدم نماز عشاء در این مورد مطابق قاعده است.

در نتیجه ضابطه «کل صلاة بعدها صلاة» به‌عنوان یک ضابطه تعلیلی است که بر پاسخ دوم و پاسخ سوم امام نیز قابلیت تطبیق دارد.

حمل اوامر موجود در روایت بر استحباب

مرحوم صاحب جواهر در ادامه می‌فرماید؛ اوامر موجود در پاسخ دوم و سوم امام در این روایت باید به استحباب حمل شود، وی در بیان این مطلب می‌فرماید:

و بأن المراد من ذلك الاستحباب، لمعلومية جواز الصلاة بعد الفجر في غير الفائتة فضلا عنها، كمعلومية إرادة الندب من الأمر فيه بتقديم الظهر الحاضرة على الفجر الفائتة، للإجماع على عدم وجوب تقديم الحاضرة، بل التعليل نفسه مشعر بذلك، نعم هو ظاهر في الفرق بالنسبة إلى رجحان تقديم الفائتة وتأخيرها بين ما بعدها صلاة كالظهر و المغرب بل و العشاء و ما ليس بعدها صلاة كالعصر و الصبح، فتقدم الحاضرة في الأول استحباباً و الفائتة في الثاني، و لا بأس به، خصوصاً بعد التسامح في السنن إن لم يقم إجماع على خلافه [7]

صاحب جواهر در دلیل این حمل می‌فرماید؛ انجام نماز فائته پس از نماز صبح، از جهت فقهی مسلم بوده و اجماع بر جواز این عمل وجود دارد. به‌عنوان نمونه، اگر کسی پس از نماز صبح بخواد نمازهای قضا شده یک ماه گذشته را اقامه کند، این عمل

جایز دانسته شده است. بر همین اساس، تقدم فائده بر حاضره در پاسخ دوم نمی‌تواند دلالت بر وجوب داشته باشد.

همان‌طور که در بخش سوم روایت آمده است: «يبدأ بالظهر ثم يصلي الفجر»، این عبارت نیز باید حمل بر استحباب شود، زیرا بر اساس اجماع فقها، اگر کسی نماز فائده‌ای بر عهده دارد و وقت نماز حاضره رسیده است، می‌تواند ابتدا نماز فائده را اقامه کند. در واقع، در مسئله جواز تقديم فائده بر حاضره، مواسعه‌ای‌ها نه تنها اختلاف نظری ندارند، بلکه بسیاری از آنها معتقدند تقديم فائده بر حاضره دارای رجحان است.

صاحب جواهر در تفاوت میان سؤال دوم و سوم می‌فرماید؛ که در سؤال دوم، تقديم فائده و در سؤال سوم، تقديم حاضره، راجح است. وی در توجیه این مطلب می‌فرماید؛ اگر اجماعی مخالف این تفصیل وجود نداشته باشد، می‌توان این رجحان را بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن پذیرفت و گفت که در این موارد، هرکدام از تقديم‌ها می‌توانند بر اساس استحباب و فضیلت خاص خود اعمال شوند.

نقد استاد بر کلام مرحوم صاحب جواهر

در مورد تقديم فائده و حاضره، صاحب جواهر بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن، اوامر امام (علیه السلام) در سؤال دوم و سوم را بر استحباب حمل می‌کند.

اما تعلیقه‌ای که بر فرمایش صاحب جواهر وارد است این است که اگر این ضابطه را مینا قرار دهیم و پذیرفته‌ایم که ضابطه به تفاوت میان وجود یا عدم وجود صلاة فریضه پس از نماز حاضر بستگی دارد، دلیلی برای ورود به بحث تسامح در ادله سنن باقی نمی‌ماند. به عبارت دیگر، رجحان تقديم فائده یا حاضره در این موارد، از متن ضابطه «کل صلاة بعدها صلاة» قابل استنباط است و نیازی به استناد به قاعده تسامح در ادله سنن نیست. این رجحان ناشی از حکمت موجود در ترتیبات زمانی نمازهاست، نه آنکه صرفاً یک استحباب کلی و تسامح باشد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که طبق نظر مرحوم صاحب جواهر اجمالی در ضابطه مذکور در روایت وجود ندارد و پاسخ‌های امام (علیه السلام) مطابق با این ضابطه است، اما مرحوم شیخ این ضابطه در روایت را مجمل دانست.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، ج 8، ص 256.

[2] بروجردی، حسین، «تبیان الصلاة»، ج 7، ص 206.

[3] انصاری، مرتضی بن محمدامین، «رسائل فقهية (انصاری)»، ص 317.

[4] همان.

[5] همان، ص 318.

[6] صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، «جواهر الکلام (ط. القديمة)»، ج 13، ص 59.

[7] همان، ج 13، ص 60.

منابع

انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهية (انصاری)، 1 ج، قم - ایران، مجمع الفکر الإسلامی، 1414.

بروجردی، حسین، تبیان الصلاة، قم - ایران، گنج عرفان، 1426.

حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، بی‌جا، 1416.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام (ط. القديمة)، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بى.تا.